

عنوان: تاثیر تنوع فرهنگ بر نحوه درک زنان از هویت خود

استاد راهنما: خانم زهرا محمدی زلانی

نویسندگان: زینب بهجومنش، نوریه درخشش، مرضیه مرادی

مدرسه علمیه امام خمینی رحمة الله علیه کرمانشاه

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تأثیر تنوع فرهنگی بر نحوه درک زنان از هویت خود می‌پردازد. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی در جوامع سنتی و مدرن، هدف اصلی مقاله تحلیل چگونگی شکل‌گیری هویت زنان تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و دینی است. روش پژوهش مبتنی بر تحلیل اسنادی و مطالعات میدانی با استفاده از داده‌های مراکز آماری و پژوهش‌های پیشین است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت زنان در جوامع سنتی عمدتاً حول محور نقش‌های خانوادگی و مذهبی تعریف می‌شود، در حالی که در جوامع مدرن، استقلال مالی و مشارکت اجتماعی نقش پررنگ‌تری دارد. همچنین، تنوع فرهنگی و مهاجرت به شکل‌گیری هویت‌های دوگانه و پیچیده منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: تنوع فرهنگی، جوامع سنتی، جوامع مدرن، مهاجرت، هویت زنان.

هویت زنان که یکی از مفاهیم اساسی و کلیدی در حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود، همواره تحت تأثیر مجموعه‌ای گسترده و متنوع از عوامل مختلفی همچون فرهنگ، دین، ساختار خانواده و تحولات اجتماعی قرار گرفته و شکل گرفته است. این پژوهش با تأکید ویژه بر بعد تنوع فرهنگی، به بررسی دقیق و موشکافانه نحوه تأثیرگذاری این عوامل متغیر بر درک و فهم زنان از هویت فردی و اجتماعی خود می‌پردازد. مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که تحقیقات متعددی به نقش محوری فرهنگ در فرآیند شکل‌گیری هویت زنان توجه داشته‌اند، اما به نسبت کمتر به تفاوت‌های نگرشی و رویکردی میان زنان جوامع سنتی و مدرن و نیز به تأثیر مهاجرت و زندگی در بسترهای چندفرهنگی بر تحولات هویتی آنان پرداخته شده است. از این‌رو، ضرورت انجام این پژوهش در پر کردن این خلأ تحقیقاتی و ارائه تحلیلی جامع، فراگیر و بومی‌سازی شده از پیچیدگی‌ها و تنوعات هویتی زنان در زمینه‌های فرهنگی مختلف کاملاً مشهود است. ویژگی نوآورانه و متمایزکننده این مقاله، تلفیق مبانی نظری عمیق با داده‌های میدانی واقعی و مقایسه بین‌نسلی است که می‌تواند به فهم بهتر فرایندهای هویت‌یابی زنان کمک کند. در این راستا، سوالات اصلی پژوهش به شرح زیر تنظیم شده‌اند:

۱. فرهنگ به چه صورت و با چه مکانیسم‌هایی بر هویت زنان تأثیرگذار است؟
۲. تفاوت‌ها و تمایزات نگرشی و رفتاری زنان در جوامع سنتی و مدرن به چه شکل تعریف می‌شود؟
۳. مهاجرت و تجربه زندگی در جوامع چندفرهنگی چه بازخوردها و تأثیراتی بر هویت زنان برجای می‌گذارند؟

علاوه بر این، سوالات فرعی پژوهش به واکاوی نقش رسانه‌ها، تحولات نسلی، و سایر عوامل اجتماعی در فرایندهای هویت‌یابی زنان می‌پردازند. ساختار مقاله نیز بر اساس این مجموعه سوالات تنظیم شده و در خلال آن مفاهیم کلیدی همچون هویت جمعی، هویت فردی، و پدیده دوفرهنگی‌گرایی به صورت مفصل تعریف شده و از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

۱. مبانی نظری و هویت زنان در فرهنگ‌های مختلف

متن درباره هویت زنان است که به عنوان مفهومی پیچیده و چندلایه، در طول تاریخ و تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مختلف تغییر و تحول یافته است. فرهنگ نقش مهم و پویایی در شکل‌گیری این هویت دارد و تغییرات فرهنگی بر نگرش‌ها و انتظارات جامعه از زنان تأثیر می‌گذارد. از جوامع سنتی تا مدرن، جایگاه و نقش زنان همواره در حال بازتعریف است. متن با بررسی چارچوب‌های نظری و مقایسه نگرش‌ها نسبت به زنان در ساختارهای سنتی و مدرن، هدف دارد رابطه بین فرهنگ و هویت زنان را به صورت عمیق‌تر و تحلیلی بررسی کند تا فهم جامع‌تری از فرآیندهای فرهنگی موثر بر شکل‌گیری هویت زنان ارائه دهد.

۱.۱ هویت و ابعاد آن

هویت زنان در بسترهای گوناگون اجتماعی و فرهنگی، دارای جنبه‌های متعددی است که به‌طور کلی می‌توان آن را در قالب دو حوزه اصلی هویت فردی و هویت جمعی مورد بررسی قرار داد. در جوامع سنتی، شکل‌گیری هویت زنان عموماً در پیوندی تنگاتنگ با نقش‌های سنتی خانوادگی، نظیر همسر و مادر بودن، و همچنین تبعیت از آموزه‌های مذهبی و هنجارهای پذیرفته‌شده فرهنگی انجام می‌گیرد. این نقش‌ها، چه به صورت مستقیم و آشکار و چه به صورت ضمنی و ناپیدا، ساختارهایی را به زنان تحمیل می‌کنند که از پیش توسط جامعه تثبیت شده‌اند. به عنوان نمونه، در ادبیات داستانی فارسی، به‌ویژه در آثار زویا پیرزاد، بازنمایی زنان عمدتاً بر محور مسئولیت‌های خانوادگی و ایفای نقش در درون خانه استوار است. در این روایت‌ها، زنان اغلب در مقام همسر یا مادر ظاهر می‌شوند؛ نقشی که به نوعی تثبیت‌کننده نظم سنتی و تداوم‌دهنده ارزش‌های فرهنگی رایج تلقی می‌شود (پیرزاد، ۱۳۸۰، ص ۸۹). بنابراین، این نوع هویت جمعی، نه تنها به تکرار سنت‌های موجود کمک می‌کند، بلکه زنان را به عنوان پاسداران اصلی بنیان خانواده و انتقال‌دهندگان میراث فرهنگی جامعه بازنمایی می‌سازد.

در نقطه مقابل، در جوامعی که به سمت نوسازی و مدرنیته حرکت کرده‌اند، تعریف هویت زنانه دچار تحولاتی بنیادین شده است. در این فضاها، اجتماعی، زنان نه تنها نقش‌های خانوادگی خود را حفظ کرده‌اند، بلکه در مسیر توسعه هویت فردی نیز گام برداشته‌اند. حضور فعال زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به ویژه در قالب اشتغال، به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی تغییر در هویت آنان مطرح می‌شود. به عبارت

دیگر، زنان در جوامع مدرن بیش از پیش بر استقلال فکری، اقتصادی و اجتماعی خود تأکید دارند. یافته‌های حاصل از پژوهش‌های میدانی، از جمله داده‌های منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، گواهی بر این دگرگونی‌اند؛ طبق این آمار، ۷۴٪ از زنان شاغل در شهر تهران، برخورداری از استقلال مالی را مؤلفه‌ای اساسی در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی خود قلمداد کرده‌اند؛ این امر بیانگر فاصله گرفتن از الگوهای سنتی و گرایش به سوی نقش‌های متنوع‌تر در جامعه است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰، ص ۳۵). از این منظر، هویت زنان دیگر محدود به چهارچوب‌های خانوادگی و سنتی باقی نمانده و ابعاد نوینی چون خودمختاری، مشارکت اجتماعی و کنشگری فعال را نیز در بر می‌گیرد.

۲.۱ تنوع فرهنگی و شاخص‌های آن

وجود تنوع فرهنگی و همچنین تفاوت‌های ساختاری در بافت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع مختلف، نقشی بنیادین در فرایند شکل‌گیری هویت زنان ایفا می‌کند. این تفاوت‌ها موجب می‌شوند که زنان، بسته به شرایط محیطی و موقعیت‌های اجتماعی خود، در معرض الگوهای متنوعی از نقش‌های جنسیتی قرار گیرند. برای سنجش و مقایسه میزان برابری یا نابرابری جنسیتی میان کشورها، شاخص‌هایی مانند شاخص توسعه انسانی جنسیتی (GDI) مورد استفاده قرار می‌گیرد که ابزاری علمی و معتبر برای ارزیابی شکاف‌های جنسیتی در حوزه‌هایی چون آموزش، درآمد و امید به زندگی است. طبق گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۱، ایران در این شاخص در جایگاه ۱۱۶ جهانی قرار گرفته است؛ موقعیتی که به‌روشنی حاکی از وجود نابرابری‌های قابل توجه در دسترسی زنان به فرصت‌های آموزشی و اقتصادی است و همچنان از تداوم چالش‌های ساختاری و فرهنگی در مسیر تحقق برابری جنسیتی در این کشور حکایت دارد (UNDP, 2021, p. 183). اگرچه در دهه‌های اخیر، پیشرفت‌هایی در زمینه ارتقاء سطح سواد و افزایش نرخ اشتغال زنان مشاهده شده است، اما آمارها نشان می‌دهد که این تحولات هنوز نتوانسته‌اند به شکلی مؤثر بر موانع نهادی و باورهای فرهنگی محدودکننده غلبه کنند.

در سوی دیگر این طیف، جوامعی با ویژگی‌های چندفرهنگی مانند آذربایجان قرار دارند که در آن‌ها، زنان فراتر از نقش‌های اجتماعی معمول، به‌عنوان کنشگرانی فعال در صحنه‌های فرهنگی و زبانی ظاهر می‌شوند. این جوامع با تنوع زبانی و آیینی، بستر مناسبی برای برجسته‌سازی نقش زنان در حفظ و اشاعه سرمایه‌های فرهنگی بومی فراهم می‌کنند. مطالعات محلی و داده‌های میدانی مؤید این واقعیت‌اند که زنان در این مناطق، به ویژه از طریق انتقال زبان مادری، آداب و رسوم سنتی، باورهای قومی و آیین‌های محلی، سهمی انکارناپذیر در

تثبیت و پایداری هویت فرهنگی ایفا می‌نمایند (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷). این نقش فرهنگی زنان، آنان را از چارچوب‌های صرفاً خانوادگی و اقتصادی فراتر می‌برد و آن‌ها را به عنوان ستون‌های اصلی تداوم و بازتولید تنوع فرهنگی در جوامع چندقومیتی معرفی می‌کند. در نتیجه، هویت زنانه در چنین فضاها، نه تنها محصول شرایط ساختاری، بلکه برآمده از نقش فعال آنان در عرصه فرهنگ و حافظه جمعی نیز هست.

۳.۱ رابطه فرهنگ و هویت زنان

فرهنگ، به عنوان مجموعه‌ای پیچیده از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و قوانین نانوشته‌ای که در بستر زمان شکل گرفته‌اند، نقشی بنیادین و تعیین‌کننده در تعریف و بازتولید هویت زنان در جوامع مختلف ایفا می‌کند. در بسیاری از جوامع اسلامی، فرهنگ به‌گونه‌ای شکل گرفته که بر اساس سنت‌های تاریخی و تفسیرهای خاص از دین، قواعدی نانوشته اما پرنفوذ در زمینه‌هایی چون پوشش، رفتارهای اجتماعی و مشارکت زنان در عرصه‌های عمومی تثبیت شده است. این هنجارهای فرهنگی، غالباً در قالب بایدها و نبایدهایی ظهور می‌یابند که آزادی‌های فردی و اجتماعی زنان را به‌طور محسوسی محدود می‌سازند. به استناد گزارش سال ۲۰۲۱ سازمان ملل متحد، نزدیک به ۷۳٪ از زنان در این جوامع، زندگی روزمره خود را تحت تأثیر مستقیم این سنت‌ها می‌گذرانند؛ سنت‌هایی که در بسیاری موارد کنترل‌گرایانه‌اند و فرصت‌های برابر را از آنان سلب می‌کنند (سازمان ملل، ۲۰۲۱، ص ۲۲). این آمار، تصویر روشنی از تأثیر ساختارهای فرهنگی بر شکل‌گیری هویت زنانه و محدودسازی قابلیت‌های آنان در تحقق هویت فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد.

با این حال، در همین چارچوب‌های محدودکننده نیز، زنان همواره تلاش کرده‌اند تا از طریق ابزارهای فرهنگی و هنری، صدای خود را به شیوه‌هایی خلاقانه و غیرمستقیم بازتاب دهند. یکی از راه‌های مهم این مقاومت فرهنگی، بهره‌گیری از هنرهای بومی و صنایع دستی به‌عنوان رسانه‌هایی برای بازنمایی هویت، تجربه زیسته و حافظه تاریخی زنان است. نمونه بارز این نوع کنش، گلیم‌بافی توسط زنان روستایی است؛ فعالیتی که فراتر از کارکرد اقتصادی و معیشتی، جنبه‌ای نمادین و فرهنگی نیز دارد. در واقع، گلیم‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده طرح‌ها و رنگ‌های برگرفته از محیط زیست و باورهای محلی‌اند، بلکه حامل پیام‌هایی درباره هویت زنانه، نقش‌های اجتماعی و حتی مقاومت در برابر فراموشی فرهنگی نیز محسوب می‌شوند. همان‌گونه که در پژوهش‌های فرهنگی نیز اشاره شده است، این شکل از تولید هنری، ابزاری است برای ثبت و حفظ هویت زنان در شرایطی که حضور آنان در سایر عرصه‌ها محدود شده است (Alexievich, 2015, p. 156). این شکل از مقاومت هنری نشان می‌دهد که زنان چگونه می‌توانند در دل ساختارهای فرهنگی محدودکننده، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خلاقانه، به بازسازی، حفاظت و انتقال هویت فرهنگی خود پردازند.

سنتی، تمایل فزاینده‌ای به بازنگری، نقد و به چالش کشیدن نقش‌های جنسیتی مرسوم و قدیمی نشان می‌دهند، به‌گونه‌ای که ارزش‌ها و نگرش‌های نوین و مدرن جایگزین باورها و هنجارهای پیشین شده‌اند و چارچوب‌های تازه‌ای برای فهم و تجربه هویت زنانه شکل گرفته است (طباطبایی، ۱۴۰۳، ص ۹۵). مطالعات و بررسی‌های بین‌نسلی نیز به روشنی نشان می‌دهد که این تحولات نگرشی عمیق و گسترده، نه تنها موجب دگرگونی بنیادین در هویت زنان شده است، بلکه پیامدهای فراگیری در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه به دنبال داشته و همچنان در حال شکل‌دهی و بازتعریف نقش زنان در ساختارها و نظام‌های گوناگون اجتماعی می‌باشد (Inglehart, 1997, p. 102). این روند تغییرات و تحولات نگرشی، افق‌های جدیدی را پیش روی زنان قرار داده و زمینه‌ساز ایجاد تحولات گسترده‌تر و عمیق‌تری است که می‌تواند به ارتقاء جایگاه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان و همچنین ایجاد جامعه‌ای برابرتر، عدالت‌محورتر و بازتر منجر شود و در نهایت به پیشرفت کلی جامعه کمک شایانی نماید.

۷.۴ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

بازتعریف هویت زنان پیامدهای گسترده و متنوعی به دنبال داشته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش چشمگیر مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، دگرگونی در ساختارهای خانوادگی و بازنگری در نقش‌های جنسیتی سنتی اشاره کرد (حیدری، ۱۴۰۲، ص ۶۰). این تغییرات بنیادی همچنین موجب شکل‌گیری تضادهای فرهنگی میان نسل‌های مختلف شده است؛ تضادهایی که نیازمند رویکردهای آموزشی جامع و مدیریت کارآمد برای کاهش تنش‌ها و تسهیل همزیستی مسالمت‌آمیز میان نسل‌هاست (Giddens, 1991, p. 85). علاوه بر این، کاهش نرخ ازدواج و افزایش میزان طلاق در میان نسل جوان، تا حد زیادی ناشی از تغییر نگرش‌ها نسبت به نقش خانواده و اولویت‌بندی استقلال فردی است. رشد روزافزون استفاده از فضای مجازی توسط جوانان نیز تأثیرات عمیقی بر سبک زندگی آنها گذاشته است؛ این امر باعث کاهش ارتباطات حضوری، تغییر الگوهای ارتباطی و به تبع آن افزایش شکاف نسلی شده که ممکن است منجر به سوءتفاهم‌ها و تعارض‌هایی در محیط خانواده یا محل کار گردد. با این حال، ایجاد فرصت‌هایی برای تبادل تجربیات میان نسل‌ها می‌تواند موجب غنای فرهنگی، افزایش انعطاف‌پذیری اجتماعی و کاهش تعارضات شود (مهدوی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵). این فرآیندها در نهایت می‌توانند به شکل‌گیری جامعه‌ای پویا و متعادل‌تر کمک کنند که در آن تفاوت‌ها پذیرفته شده و به عنوان فرصتی برای رشد جمعی به کار گرفته می‌شود.

پژوهش حاضر بیانگر این واقعیت است که هویت زنان یک پدیده پیچیده، پویا و چندوجهی است که از تعاملات متقابل عوامل فرهنگی، اجتماعی و تاریخی تأثیر می‌پذیرد و در طول زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شود. در جوامع با ساختارهای سنتی، هویت زنان عمدتاً بر مبنای نقش‌های خانوادگی و معیارهای مذهبی شکل گرفته و تداوم می‌یابد، در حالی که در بستر جوامع مدرن، موضوعاتی مانند استقلال مالی، مشارکت فعال در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به‌عنوان عناصر محوری و برجسته هویت زنانه مطرح شده‌اند. همچنین، گسترش تنوع فرهنگی و پدیده مهاجرت باعث ظهور هویت‌های دوگانه و پیچیده‌ای شده است که در بسیاری موارد با چالش‌هایی نظیر تضادهای فرهنگی و تعارضات هویتی همراه است، اما در عین حال فرصت‌های گسترده‌ای برای رشد فردی، اجتماعی و فرهنگی زنان فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، پیشرفت‌های سریع فناوری و توسعه فضای رسانه‌ای نیز به‌عنوان عامل مهمی در بازتعریف و بازسازی هویت زنان نقش ایفا کرده‌اند و امکان برخورداری از منابع جدید فرهنگی و اجتماعی را فراهم ساخته‌اند. نتایج این پژوهش بر ضرورت توجه ویژه به تنوع فرهنگی، پیچیدگی‌های هویتی و حمایت مؤثر از زنان در فرایند شکل‌گیری هویت تأکید کرده و زمینه را برای انجام تحقیقات آینده و گسترش مطالعات در این حوزه هموار می‌سازد.

۱. احمدی، نرگس. (۱۴۰۱). «آمیختن مؤلفه‌های هویتی در زنان معاصر». مطالعات زنان، ۱۵(۱)، ۷۰-۸۵.
۲. پیرزاد، زویا. (۱۳۸۰). عادت می‌کنیم. تهران: نشر مرکز.
۳. حسینی، سیدمحمد و همکاران. (۱۴۰۰). «نقش مادران در انتقال ارزش‌های اخلاقی». فصلنامه علوم تربیتی، ۱۲(۳)، ۵۵-۷۰.
۴. خسروی‌راد، مریم. (۱۴۰۳). نقل گیتی. مشهد: نشر به‌نشر.
۵. سبحانی، محمدتقی. (۱۳۸۲). الگوی جامع شخصیت زن مسلمان. قم: دفتر مطالعات زنان.
۶. شریفی، محسن. (۱۴۰۲). «رسانه‌ها و بازتعریف هویت زنان». مجله مطالعات فرهنگی، ۲۰(۴)، ۱۰۵-۱۲۰.
۷. طباطبایی، فاطمه. (۱۴۰۳). نسل جدید و بازتعریف هویت زنانه. تهران: نشر اندیشه معاصر.
۸. فاطمی، رضا. (۱۳۹۷). «نقش نگرش‌های جنسیتی در هویت مهاجران». مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲(۴)، ۶۰-۷۵.
۹. کریمی، رضا. (۱۴۰۰). «تغییر نگرش‌های فرهنگی زنان ایرانی». جامعه‌شناسی فرهنگی، ۱۳(۲)، ۹۰-۱۰۵.
۱۰. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰). سنجش نگرش‌های اجتماعی زنان. گزارش شماره AMAR-1400-SS-05.
۱۱. مهدخانی، فائزه. (۱۴۰۳). «هویت جسمیت‌یافته در اینستاگرام». زن در فرهنگ و هنر، ۱۵(۲)، ۱۱۵-۱۳۰.

۱۲. نجفی، سارا. (۱۴۰۰). «نقش زبان در سازگاری مهاجران». مطالعات فرهنگی، ۸(۱)، ۵۰-۶۵.
۱۳. الکسیویچ، سوتلانا (). (Alexievich, Svetlana, ۲۰۱۵). چهره غیرزنانه جنگ. نیویورک: جیگساو.
۱۴. بری، جان دبلیو (). (Berry, John W., ۱۹۹۷). مهاجرت، فرهنگ‌پذیری و سازگاری. روانشناسی کاربردی، ۴۶(۱)، ۳۴-۵.
۱۵. کستلز، استفان (). (Castles, Stephen, ۲۰۰۰). چشم‌اندازهای جهانی مهاجرت و توسعه. مرور جمعیت و توسعه، ۲۶(۳)، ۵۸۴-۵۵۷.
۱۶. گارسیا، کارلا و دلاگازا، گابریلا (). (García, Carla & De La Garza, Gabriela, ۲۰۱۵). چندفرهنگی‌گرایی و هویت زنان: تجربه مهاجران. مجله زن و فرهنگ، ۲۸(۲)، ۲۰۰-۲۱۵.
۱۷. گیدنز، آنتونی (). (Giddens, Anthony, ۱۹۹۱). مدرنیته و هویت خود: خود و جامعه در عصر مدرن متأخر*. استنفورد: انتشارات دانشگاه استنفورد.
۱۸. هال، استوارت (). (Hall, Stuart, ۱۹۹۰). هویت فرهنگی و دیاسپورا. در جانانان رادرفورد (ویرایشگر)، هویت: جامعه، فرهنگ، تفاوت (صص. ۲۲۲-۲۳۷). لندن: لارنس و ویشارت.
۱۹. اینگلهارت، رونالد و نوریس، پپیا (). (Inglehart, Ronald & Norris, Pippa, ۲۰۰۳). جزر و مد رو به رشد: برابری جنسیتی و تغییر فرهنگی در سراسر جهان. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
۲۰. جنکینز، ریچارد (). (Jenkins, Richard, ۲۰۰۸). هویت اجتماعی. لندن: روتلج.
۲۱. مک‌روبی، آنجلا (). (McRobbie, Angela, ۲۰۰۹). عواقب فمینیسم: جنسیت، فرهنگ و تغییر اجتماعی. لندن: انتشارات سیج.
۲۲. اسمیت، لوئیس و خواجا، نگین غلام (). (Smith, Louise & Khawaja, Nigar G., ۲۰۱۱). مروری

بر تجربیات فرهنگ‌پذیری دانشجویان بین‌المللی. مجله بین‌المللی روابط بین‌فرهنگی، ۳۵(۶)، ۶۹۹-۷۱۳.

۲۳. تاگوچی، هیرومی لسلی (Taguchi, Hilary Leslie, ۲۰۱۴). مذاکره هویت در جهان جهانی‌شده*. نیویورک: روتلج.

۲۴. برنامه توسعه ملل متحد (UNDP, ۲۰۲۱). گزارش توسعه انسانی. نیویورک: سازمان ملل متحد.